

جزایر خلیج فارس

حسینعلی رزم آرا

- از کتاب «مجموعه مقالات خلیج فارس»، چاپ دفتر مطالعات سیاسی و

بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، صفحات ۱۸۵ - ۲۱۷

- انتشار دوباره توسط: هنایش

<http://hanayesh.blogfa.com>

- آدرس:

جزایر خلیج فارس

مقدمه

تمامی جزایر خلیج فارس از لحاظ وضع طبیعی و شرایط دریایی و جوی و سایر ملاحظات باهم یکسان نیستند و طبعاً همگی یک نوع سرنوشت نداشته‌اند. صحیح است که عده ای از این جزایر به سبب ثروت خداداد یا از نظر اهمیت سوق الجیشی یا به هر دو علت مورد توجه و مطمع نظر مهاجمین مختلف بوده، و حکومت‌های وقت ایران یا شاهزاده‌ها و امرای ساحلی و همه مقامات یا کسانی که قدرت آنها ناشی از قدرت دولت ایران بوده، در همه حال با این نوع اغتشاش‌ها و تهاجم مبارزه کرده و دست آنها را از تجاوز به این مناطق دور از مرکز کوتاه کرده‌اند، ولی جزایر فراوانی هم در خلیج فارس وجود دارند که همیشه و تا همین اواخر از یک سکون و آرامش مطلق برخوردار بوده‌اند و شاید تا این اواخر پای ابنای بشر بدانجا نرسیده باشد یا فقط اشخاص معدودی ندرتاً به آن جزایر رفت و آمد می‌نموده‌اند.

ولی امروزه به علت شرایط خاصی توجه تمام جهانیان را به خود جلب نموده‌اند.

مثلاً جزیره فارسی به علت ایجاد یک دستگاه هواشناسی که اطلاعات هواشناسی را به تمام شرکت‌های کشتیرانی می‌رساند، معروفیت پیدا کرده است. این جزیره مانند برخی دیگر از جزایر خلیج فارس به سبب بی آبی و دوری از ساحل و مسیر کشتیرانی بین المللی، کمتر مورد توجه بوده و در بعضی از مواقع سال عده‌ای از ماهیگیرانی که از ساحل ایران

می‌آمدند برای شکار لاک‌پشت و ماهی بدانجا می‌رفتند. همچنین جزیره داس به علت کشف منابع سرشار نفتی مرکز فعالیت مهمی گردید.

اکنون فهرست وار اسامی جزایر خلیج فارس ذکر می‌شود. برای اینکه ترتیبی در ذکر آنها قائل شویم، به اتفاق روی نقشه دورادور خلیج فارس مسافرت می‌کنیم؛ یعنی ابتدا از جزایر مدخل آن گذشته و جزایری را که نزدیک تنگه هرموز است می‌بینیم، بعداً گردش به سمت جنوب و جنوب باختری می‌کنیم، سپس به شمال و شمال خاوری دور می‌زنیم و از جزایری که در این مسیر یا در حوالی و یا در داخل خلیج فارس، تقریباً نزدیک به آنها هست می‌گذریم و در کرانه شمالی به این مسافرت خاتمه می‌دهیم.

سفری دور خلیج فارس

در قسمت مقدم مدخل خلیج فارس ابتدا به جزیره پر اهمیت هرموز، بعد لارک و سپس به جزیره بزرگ قشم بر می‌خوریم. جزیره کوچک هنگام بسیار نزدیک و در جنوب قشم واقع است. راجع به این جزایر در پایان این مقاله توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

در جنوب باختری قشم جزایر تنب، نبوتنب (یا تنب کوچک یا تنب مارو) و ابوموسی واقع است.

در جنوب رأس بستانه کرانه ایران، در فواصل دور و نزدیک، جزایر فرور، نبیوفرور و سری را می‌بینیم.

به منظور گردش دور خلیج فارس به رأس مسندم که در قسمت جنوبی تنگه هرموز واقع است بر می‌گردیم. در اینجا جزایر مسندم، کچلو، توکل یا ابورشید، سلامه و بناتها، گپ، کن

یا الخیل، ابوسیر، الغنم، القیارین یا ام القیارین، جزیره سرخ (رد آیلت)، قبه الجزیره و لیمه را می‌بینیم.

ضمن حرکت به سمت جنوب، وقتی به رأس الخیمه که در کرانه عمان است رسیدیم، از جزایر الخمرء، ام القوین و عجمان می‌گذریم، پس از عبور از کرانه شارجه خط سیر خود را به سمت جنوب باختری ادامه داده، از جزایر حنفوزه، فریده، فهاد، ابوظبی، خورالبطین، بحرانی (با بحرینی)، ام المجاریب و قنطر می‌گذریم. جزیره ابونوار در فاصله زیادی در حدود یکصد کیلومتر در شمال این محل، تقریباً در اواسط خلیج فارس، واقع شده؛ شاید به علت دوری مجال رفتن به آنجا را نداشته باشیم.

مسافرت ما از این محل به سمت باختر در کرانه جنوبی خلیج فارس ادامه می‌یابد و از جزایر بسیم و بنات البحر، که بدین قرار است: سلالی، ابوالابیض، صلاحه، ام‌العمیم، حالات المبراء، فیمه، بزم العربی، نمریه، حمار، دغله، یابر، ناشاء، ام‌القصر، عیش، یاس، صنبوط، رشید، جزایر یاسات، محملیه، ام‌الحطب و نیطا، می‌گذریم.

در شمال جزیره که بر شمردیم، در فواصل مختلف جزایر زرقا، قرنین، داس، ارزنه، دینه، شوراوا، دلمه و حالول که در ۱۸۰ کیلومتری کرانه جنوبی خلیج فارس واقع شده، قرار دارند. بین رأس مشرب و رأس رکن خط سیر ما رو به شمال در کرانه قطر خواهد بود. در این خط سیر از جزایر میامات الطین، فریجات، قفای، مکاسیب، مهاجمات، لاسحت، البشیریه، سفلیه و العلیا می‌گذاریم، پس از عبور از دماغه قطر به سمت باختر حرکت می‌کنیم و به مجمع الجزایر بحرین می‌رسیم که مرکب است از بحرین، محرق، خصیفه، سایه ستر، بنی صالح، رکا (رقه)، کلیف، ام‌النعمان، بوشین، ازوم و الحول.

در خلیج سلوا (شلوا) جزیره هوار و جزایر اطراف آن، جزیره عنبر و زخونیه دیده می‌شود. بین رأس الکواکب و رأس الارض حرکت ما در کرانه‌های الاحساء به سمت شمال باختر ادامه می‌یابد و از جزایر تاورت، ابوعلی، البطینه، جریده، حباه، مسلمیه و المقصا می‌گذاریم.

اگر از جزیره ابوعلی به سمت شمال خاوری به داخل برویم، به چند جزیره دور از کرانه به نامهای قرائن، قیران، حور قوض، عربی و فارسی برمی‌خوریم. جزیره اخیر در یکصد کیلومتری جزیره ابوعلی و کرانه مجاوز آن واقع است. چنانچه به کرانه الاحساء برگردیم و سفر خود را به سمت شمال باختری ادامه دهیم، جزایر ام‌المرادیم، قارو و الکوبر را می‌بینیم.

در این گردش، تا اینجا به خلیج کویت نزدیک شده‌ایم. از جزایر فیلکه، اوچه، رأس الباحی، مشنگ، ام‌النمل و کرین دیدن می‌کنیم. بعد در حرکت به سمت مصب شط العرب، جزایر بوبیان، وره و هشام دیده می‌شود. در انتهای شمالی خلیج فارس، نزدیک آبادان، جزایر حاج صلیوخ (یا شیخ صلیوخ)، بونه و دارا واقع شده. در مقابل، کرانه شیب کوه، جزایر خارگو، خارک، محرق، شیخ سعد، جبرین، نخیلو، ام‌السیلا، ام‌الکرم، لاوان (یا شیخ شعیب)، شتور، هندورابی و بالاخره به جزیره کیش یا قیش می‌رسیم و سفر ما در دور خلیج فارس خاتمه می‌یابد.

اکنون که اسامی جزایر خلیج فارس ذکر شد، راجع به تاریخچه مختصر و موقع جغرافیایی و سایر خصوصیات چند جزیره از جزایر مهم ایران توضیحاتی داده می‌شود.

شرح چند جزیره از جزایر ایران

۱. جزیره هرموز

جزیره هرموز که هورموز نیز نوشته‌اند، از قدیم بسیار معروف بوده و از سده هفتم هجری (۱۳ میلادی) رو به ترقی گذاشته است. در ۶۹۹ هجری شمسی (۱۳۲۰ میلادی) امیر هرموز، کیش و بحرین را نیز تصرف کرد تا دو قرن این جزیره بازار بازرگانی خلیج فارس بود. پس از استیلای عرب بر ایران، جماعتی از زرتشتیان مدت ۱۵ سال در این جزیره توقف کردند و سپس به طرف هندوستان رفتند. مارکوپولو، سیاح معروف در اواخر سده هفتم هجری (سیزدهم میلادی) دو مرتبه به این جزیره مسافرت کرد. در اواخر سده هفتم هجری شهر جدید هرموز در این جزیره بنا شد و این شهر مدت دو قرن از شهرهای معروف زمان خود بود. در واقع حمله پرتغالی‌ها، این جزیره ارتشی در حدود ۳۰۰۰۰ تن داشت. در سال ۸۸۶ هجری شمسی (۱۵۰۷ میلادی) پرتغالی‌ها، شروع به ساختن قلعه ای در آن کردند. در سال ۹۲۹ ه.ش. (۱۵۵۰ میلادی) ارتش عثمانی تحت فرماندهی پیربیگ مدت یک ماه این قلعه را محاصره کرد ولی به تسخیر آن موفق نشد. در سال ۱۰۰۱ ه.ش. (۱۶۲۲ میلادی) شاه عباس کبیر هرموز را از تصرف پرتغالی‌ها خارج کرد ولی در نتیجه خرابی‌ها و خسارتهایی که به این شهر وارد شده بود، به کلی ویران شد و از بین رفت؛ به طوری که امروز از این شهر دهکده کوچکی بیش باقی نیست که سکنه آن در زمستان ۲۵۰۰ تن است و کانه‌های خاک سرخ و نمک کار می‌کنند، ولی در تابستان عده

کمتری می‌مانند. جزیره هرموز به شکل تقریباً بیضی است که قطر اطول آن ۷/۵ کیلومتر و کوتاهترین قطرش ۵/۵ کیلومتر است.

سطح جزیره از تپه‌هایی به ارتفاع ۹۱ متر پوشیده شده است و در وسط جزیره کوهستانی است سنگی، که مرتفع ترین قله آن به ارتفاع ۲۱۰ متر می‌رسد. هوای هرموز از بندر عباس ملایمتر است و فقط در زمستان بارندگی می‌شود.

از ادارات کشوری، گمرک، پست، ژاندارمری و اداره کان در آنجا هست و برای آموزش اطفال، یک دبستان دارد. در فصل تابستان به لحاظ گرما کارگران به میناب و کرانه مسافرت می‌کنند و در حدود ۷۰۰ تن در جزیره باقی می‌مانند.

خرابه شهر قدیمی هرموز، که در زمان سلطنت اردشیر ساخته شد. در شمال جزیره و نزدیک به قلعه پرتغالی‌ها قرار دارد. در جنوب جزیره وجود یک منار نشان می‌دهد که ساختمان مسجدی در آن بوده است.

کرانه‌ها - کرانه‌های این جزیره در خاور و جنوب رو به دریای عمان، دارای ارتفاعات با شیب تند است؛ به طوری که نزدیک شدن به کرانه دشوار و در مواقع طوفانی خطرناک است. در قسمت شمال و باختر زمین با شیب ملایمی وارد دریا می‌شوند. عمق آب در یک کیلومتری جزیره به ۵ تا ۱۳ متر می‌رسد، لذا کشتی‌های ده هزار تنی می‌توانند تا یک کیلومتری به جزیره نزدیک شوند.

ساختمان بندری در این جزیره نیست ولی محلی برای رفتن به بندر عباس و محل دیگری برای رفتن به میناب، و در مقابل کان هم دو اسکله، یکی کوچک و دیگری بزرگ برای نزدیک شدن قایقها و ناوهای کوچک تهیه شده است. در قسمت شمال باختری و جنوب خاوری نزدیک جزیره تخته سنگهایی وجود دارد که در عمق ۲ تا ۳ متر زیر آب واقع شده است و

فقط قایق‌رانهای محلی می‌توانند از بین آنها عبور کنند. در کرانه‌ها ماهی می‌توان صید کرد و انواع ماهی نیز در آنجا یافت می‌شود.

قلعه پرتغلی‌ها - آلبوکرک دریا سالار معروف پرتغالی، پس از تسلط بر کرانه هندوستان برای آنکه بازرگانی ایران از طرف بنادر جنوب به خود جلب کنند و همچنین برای تأمین و تسهیل آمد و رفت کشتی‌های بازرگانی پرتغال، جزیره هرموز را اشغال کرد و در نقطه شمالی این جزیره در مجاورت شهر هرموز دژی ساخت که خرابه‌های آن باقی است. نظر به اینکه ناوهای بادبانی از مجاورت کرانه حرکت می‌کنند، ساختمان این دژ طوری بود که بتوان آمد و رفت کلیه ناوهای را که بین هرموز و کرانه در آمد و رفت بودند، تحت مراقبت قرار داد.

دژ از چهار برج به ارتفاع ۱۲ متر از سطح زمین تشکیل شده است. قطر ته دیوارها ۳/۵ متر و محوطه دژ ۱۲۰ متر در ۱۲۰ متر است.

ساختمانهای متعدد و مفصل داخل دژ، گنجایش در حدود ۲۰۰۰ تن را داشت و ساختمان آن برای زندگی افراد اروپایی بود که بتوانند در گرمترین نقاط حتی در فصل تابستان زندگانی کنند.

در این دژ آب انبارهای بزرگ طوری ساخته شده بود که علاوه بر خنک نگهداشتن آب، در مقابل بمباران توپخانه نیز مقاومت کافی داشت. این آب انبارها فقط از آب باران که روی سقف ساختمانهای دژ می‌آمد، پر می‌شد و قسمتی از آب لازم را هم به وسیله کشتی می‌آوردند.

این دژ یکی از بهترین نمونه‌های دژهای آن موقع بود و ساختمان آن مدت ۳۰ سال طول کشید و پرتغالی‌ها در پناه این دژ، مدت ۱۱۵ سال بر کرانه خلیج فارس تسلط خود را حفظ

کردند و به هیچ کشوری اجازه رقابت ندادند. وجود این دژ اهمیت بازرگانی کرانه ایران را می‌رساند.

کان خاک سرخ (اکسید دو فر) از زمان خیلی قدیم، این کان در جزیره هرموز شناخته شد و اعراب از آن استفاده می‌کردند (برای رنگ آمیزی چوب، فلزات، بدنه کشتی، پارچه و غیره). فراوانی، سهولت استخراج، سهولت حمل و نقل و مخصوصاً خالص بودن آن (۵۶ تا ۸۰ درصد) باعث شده است که به این کان اهمیت فوق‌العاده داده شود.

طریقه استخراج خیلی سهل است؛ چون پس از برداشتن قشری از خاک، اکسید دوفر ظاهر می‌شود. پس از غربال کردن و کوبیدن، توسط کرجی به انبارها و سپس به کشتی حمل، و از این طریق صادر می‌گردد. یک کارگر در ۳ روز می‌تواند یک تن خاک استخراج کند. چند سال قبل هر تن تا حدود ۲ لیره به کسانی هم که قرارداد نداشتند فروخته می‌شد. قیمت فعلی ممکن است خیلی زیادتر باشد. چند سال قبل قریب ۶۰۰۰ تن در هر سال استخراج و صادر می‌گردید، و چنانکه پیش بینی شده است اگر به میزان فعلی استفاده شود، تا یک صد سال دیگر هم می‌توان استخراج کرد.

کان خاک سرخ سرخ یکی از پر منفعت ترین کانه‌های کشور است و بدون زحمت، منافع سرشار عاید می‌نماید. در جزیره هرموز کان نمک نیز موجود است و از آن سالانه تا ۳ هزار تن بهره برداری می‌شود.

این جزیره که در موقع صلح خدمت بزرگی به اقتصاد کشور می‌کند، در موقع جنگ هم مهمترین سنگر دفاع کرانه است.

۲. جزیره لارک

جزیره لارک تقریباً بیضی شکل و به طول ۱۱ و عرض ۷/۵ کیلومتر است. این جزیره در مسافت ۱۲ کیلومتری جزیره قشم، ۲۰ کیلومتری جزیره هرموز و ۴۰ کیلومتری بندرعباس واقع است. در این جزیره آثاری از هلندی‌ها و پرتغالی‌ها دیده می‌شود و سطح جزیره لارک کوهستانی است و فقط در ناحیه شمال و شمال خاوری آن در حاشیه باریکی، زمین مسطح است. و کوهستان آن سنگی است و بلندترین قله آن ۱۵۵ متر ارتفاع دارد. یگانه محلی از کرانه که به سهولت می‌توان بدان نزدیک شد، «رأس مرانی» نام دارد. در این قسمت تا ۹۰۰ متری، دریا ۲۰ تا ۲۵ متر عمق دارد. جزیره لارک دارای دو آبادی بسیار کوچک است. اول تیاب که دارای قریب ۱۰۰ تن سکنه است و زبان مخصوصی دارند که ریشه آن فارسی است.

دوم کوه بالا که آن نیز قریب ۱۰۰ تن سکنه دارد و به زبان فارسی مخلوط به عربی تکلم می‌کنند. در این جزیره زراعت نمی‌شود ولی برای ماهیگیری بسیار مناسب است و به حد وفور صید می‌شود و هم روزه به بندرعباس و جزایر دیگر حمل می‌گردد. این جزایر دارای ۳۰۰ نخل است آب مصرفی اهالی از ۴ برکه و ۱۰ دهانه چاه به دست می‌آید و قریب ۸۰۰ رأس بز و گوسفند دارند. در این جزیره دو کان نمک وجود دارد که اهالی جهت نک زدن ماهی‌ها از آن استفاده می‌کنند. یک کان خاک سرخ نیز در جزیره هست، ولی فعلاً به خارج حمل نمی‌شود. خاک این کان بخوبی خاک سرخ هرموز نیست. کوههای جزیره از حیث سنگ آهن غنی است

۳. جزیره قشم

قشم بزرگترین جزیره تنگه هرموزو پرجمعیت ترین آنهاست و دارای تاریخ مفصلی است؛ چه سابقاً دارای امرایی بوده که با دارا بودن نیروی زمینی و دریایی حاکمیت خود را در این محل حفظ می‌کرده‌اند. از امکنه قدیمه و بقایای خرابه های این جزیره، می‌توان به خوبی پی به آبادی گذشته آن برد. ساختمانهای نظامی متعدد در قشم، سوزا، باسعیدو و سایر نقاط، از اهمیت نظامی این جزیره در گذشته حکایت دارد و بخوبی ثابت می‌کند همان قسمی که این جزیره از بزرگترین جزایر خلیج فارس است، از لحاظ اقتصادی، اداری و نظامی نیز مهمترین جزایر محسوب می شده است. وجود لوحه‌ای به خط کوفی در مسجد داخل جزیره موسوم به گوشه (مشهور به برج)، حاکی از آن است که این مسجد در سال ۲۴۴ هجری قمری تعمیر شده است. تصور می‌رود این مسجد قبلاً آتشکده بوده است، به علاوه قید می‌نماید که در ۲۶ رمضان ۸۲۶ هجری قمری بر اثر زلزله‌ای شدید مجدداً خراب گردیده است. گویا این مسجد در زمان خلیفه ثانی ساخته شده است. آنچه از لوحه استفاده می‌شود این است که این جزیره قبل از اسلام هم ساکنینی داشته و مورد توجه بوده است. آثار قلعه پرتغالی‌ها که قبل از سلطنت شاه عباس کبیر ساخته شده و با توپهای بزرگ آن زمان مجهز بوده است، در قشم دیده می‌شود. یک سلسله قلاع دیگری در خاور لافت و مشرف بر آن مشاهده می‌شود که معروف به قلاع نادری است و حاکی از آن می‌باشد که این جزیره در هر یک از ادوار تاریخی مورد توجه خاص بوده است.

جزیره قشم به طول ۱۱۵ کیلومتر و به عرض مختلف از ۳۵ تا ۱۰ کیلومتر در مجاورت باب هرموز قرار دارد و به علت دراز بودن، اعراب دراز بودن، اعراب آن را «جزیره الطویله» نامیده‌اند.

ارتفاعات- این جزیره را کوهستانهای آهکی با بریدگی های غالباً تند و قائمی احاطه کرده است که از کرانه جزیره فواصلی مختلف دارند. بعضی به کرانه چسبیده‌اند و در بعضی قسمت‌ها تا چند کیلومتر از آن فاصله دارند. مرتفعترین نقاط این کوهستان در ۳۵ کیلومتری خاور «باسعیدو» به نام «کیش کوه»، ۳۵۰ متر ارتفاع دارد و از نمک تشکیل شده است و به همین جهت در نزد اهالی به نام «نمکدان»، شهرت دارد.

در نزدیکی‌های جزیره، صخره‌های زیردریایی موجود است که یک قطعه بزرگ آن از محاذات کان نمک (در جنوب جزیره) شروع می‌شود و پس از انحنا و متابعت از شکل جزیره، به طرف شمال باختری متوجه می‌گردد و تا نزدیکی‌های «باسعیدو» امتداد دارد و پهنترین قسمت آن در جنوب جزیره و به عرض ۱۵ کیلومتری می‌رسد. محیط جزیره قشم در حدود ۲۶۲ کیلومتر است.

کرانه‌ها- کرانه‌های جزیره غالباً مضرس و از قشم تا جزیره هنگام دارای عمیقی زیاد است که ناوها می‌توانند نزدیک کرانه حرکت کنند. وی از آن به بعد به علت کمی آب (بیشتر بر اثر وجود سنگهای زیر دریایی)، ناوها ناچارند از کرانه دور شوند؛ به نحوی که در محاذات گوشه جنوب باختری جزیره باید از ۸ تا ۲۶ کیلومتری عبور کنند.

به همین قسم در کرانه‌های شمالی تقریباً در تمام طول تنگه «کلارنس» (Clarence) تنگه بین کرانه شمالی جزیره و کرانه شمالی خلیج فارس، کمی عمق به حدی است که ورود ناوها را اجازه نمی‌دهد. حتی عبور قایقهای موتوری هم مستلزم احتیاط و دقت خاص است و اغلب، کرانه مستور از جنگهای لور یا حراست .

این جزیره در طرف شمال دارای دماغه؛ یعنی دماغه «قشم» و «لافت» و «باسعیدو» است، و در طرف جنوب دماغه دیرستان با نخلستانهای بسیار کوچک خود قرار دارد.

این جزیره به طرف کرانه ایران، دارای ۹ لنگرگاه کوچک و بزرگ است که عبارتند از: قشم، درگهان، کوهی، لافت، کوران، چهو، نمکدان، باسعیدوی نو (معروف به سینکو)، باسعیدوی کهنه. به طرف دریا جزیره قشم دارای ۵ لنگرگاه است که مهمترین آنها دیرستان در مقابل جزیره هنگام است. این بندر در زمان جنگ بین المللی محل توقف کشتی‌های جنگی و غیرجنگی انگلیس بود، و در آن مراکز بی‌سیم و انبار زغال و مهمات تهیه شده بود. بندر دیگر این کرانه «کارکه» است که کمپانی نفت، آن را برای مرکز امور خود انتخاب کرده بود. آب و هوا - هوای این جزیره گرم و مرطوب است. بارندگی هم به ندرت اتفاق می‌افتد و به همین علت رودخانه در آن وجود ندارد؛ لذا کشاورزی در آن مشکل و آب آشامیدنی اهالی آب باران است که در آب انبارها ذخیره می‌شود. آب چاه و آبهای راکد آن، محل‌های مناسبی برای نشو و نمای میکروب مرض پبوک است که به صورت کرم طویلی در نقاط مختلف بدن ظاهر می‌شود. این بیماری دردناک است و معالجه آن چندین ماه به طول می‌انجامد. لیکن وجود چاه در بعضی آبادی‌ها اهالی را از بیماری پبوک مصون می‌دارد، ولی آب آنها کمی شور است.

درخت لور که بعضی از اهالی آن را انجیر پرتغالی می‌نامند، در این جزیره دیده می‌شود. این درخت، زیبا و مرتفع و پر برگ است و دارای میوه‌های قرمز کوچکی است که اهالی آنها را می‌خورند. از مختصات این درخت آن است که شاخه‌های آن سرازیر می‌شود و در زمین خود به خود وارد می‌گردد و ریشه گرفته، تنه جدیدی را تشکیل می‌دهد. به همین ترتیب از اطراف وسعت می‌یابد و فضای زیادی را اشغال می‌کند. چوب این درخت بسیار محکم است. در این جزیره انواع شکارها از قبیل بز وحشی و آهو دیده می‌شود.

هوای جزیره - به علت جریان هوا، از بندرعباس خنک‌تر و کم رطوبت تر است.

جهت باد در این جزیره، هنگام زمستان، شمالی جنوبی، ولی در سایر فصول از تمام جهات می‌وزد. جزر و مد دریا مانند سایر جزایر صورت می‌گیرد و برای صید ماهی وسیله خوبی است.

خطر زلزله- این جزیره در معرض خطر زلزله قرارداد و طبق مدارک تاریخی، زلزله‌های زیادی در آن رخ داده است.

کانها، در جنوب جزیره یک کان نمک در کوه مرتفع موجود است که نمک آن سفید و خوب است و می‌تواند قلم صادراتی مهمی را تشکیل دهد. خاک سرخ و سرب نیز در این جزیره یافت می‌شود. از همه مهمتر وجود نفت در این جزیره است.

اوضاع سیاسی و اداری- این جزیره دارای متجاوز از ۴۰ پارچه آبادی بزرگ و کوچک است که مهمترین آنها قشم، درگهان، باسعیدو و لافت است. جمعیت این جزیره در حدود ۱۵۰۰۰ تن و شغل اغلب آنها ماهیگیری و قایقرانی است. قریب ۵۰۰ قایق کوچک و بزرگ به ظرفیت از یک تا چند تن دارند. دین اهالی اسلام و زبان آنها فارسی است. مأمورین گمرک در چند نقطه مهم جزیره مراقب هستند، ولی به علت قابلیت پیاده شدن (تقریباً در تمام طول کرانه) جلوگیری کامل از قاچاق مشکل است .

بیماری اهالی- بیماری‌های اهالی ، چشمی و جلدی و مالاریاست و گاهی نیز به پیوک مبتلا می‌شوند. وبا و طاعون هم در سده گذشته به این جزیره وارد شد و عده زیادی را به هلاکت رساند. از نقطه نظر نظامی اهمیت جزیره قشم فوق العاده است.

۴. جزیره هنگام

این جزیره به کرانه‌های جنوبی جزیره قشم بسیار نزدیک است و در ادوار مختلف، مانند سایر جزایر آن حدود، تحت استیلا و نفوذ دول مختلف قرار گرفته است.

جزیره هنگام در جنوب جزیره قشم واقع است و دارای ۹/۸ کیلومتر طول و ۳ تا ۶ کیلومتر عرض است. مساحت آن قریب ۵۰ کیلومتر مربع و شکل جزیره مانند مخروط ناقص است که در امتداد شمال خاوری جنوب باختری قرار دارد.

کرانه‌های این جزیره مضرس است و با یک شیب ملایم به دریا فرو می‌رود. عمق آب در تمام اطراف جزیره به مقدار کافی است و قایق‌ها می‌توانند به سهولت بدان نزدیک شوند. مخصوصاً در کرانه شمال خاوری مقابل هنگام نو چون عمق آب در این محل در حدود ۱۰ تا ۱۵ متر است، کشتی‌ها نیز می‌توانند نزدیک گردند. مرتفع‌ترین قله این جزیره به نام «میترا» دارای ۱۰۶ متر ارتفاع است. هوای جزیره گرم و مرطوب است و از آب باران که در انبارها نگهداری می‌شود، استفاده می‌کنند، بیماری پیرک در این جزیره نیز سابقاً شیوع داشته است. جزیره هنگام در مسافت ۶۰ کیلومتری جزیره لارک، ۵۵ کیلومتری آبادی قشم و ۵۰ کیلومتری جزیره الغنم واقع است.

جزیره هنگام دارای ۶ آبادی است به نام هنگام نو، هنگام کهنه، مخابی، زی، بوشه و قیل که فقط دو آبادی اول نسبتاً مهم است. جمعیت جزیره سابقاً ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ تن بوده، ولی فعلاً بیش از ۴۰۰ تن جمعیت ندارد.

در جزیره هنگام درخت‌های نخل، مرکبات، انار و انجیر یافت می‌شود. دارای زراعت مختصری نیز هست که کفاف معیشت اهالی را نمی‌دهد و با آب چاه دستی مشروب می‌شود.

ماهی به فراوانی صید می‌شود. چهارپایان نیز به واسطه قلت علوفه، گاهی با آن سد جوع می‌کنند. در این جزیره کان نمک متبلور و سرب و خاک یافت می‌شود.

۵. جزیره تنب

این جزیره در ۲۷ کیلومتری جنوب انتهای باختری جزیره قشم واقع است. مرتفع‌ترین نقاط آن ۵۳ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. سکنه آن حدود ۱۰۰ تن است و زندگانی آنها از صید ماهی و مروارید تأمین می‌شود. زراعت بسیار کمی هم دارند. آب چاههای این جزیره کمی تلخ است. یک چراغ دریایی در داخل جزیره برای راهنمایی ساخته شده است.

۶. جزیره نبی تنب (یا تنب کوچک)

در ۱۲ کیلومتری باختر، جزیره تنب واقع است که سکنه‌ای ندارد و مرتفع‌ترین نقاط آن از سطح دریا ۳۵ متر ارتفاع دارد.

۷. جزیره ابوموسی

این جزیره بین بندر لنگه و دوبی قرار دارد، طول و عرض آن در حدود ۴/۵ کیلومتر است. در داخل جزیره یک رشته کوهستان سنگی وجود دارد که مرتفع‌ترین قله آن به نام کوه حلوا دارای ۱۱۰ متر ارتفاع است. سکنه این جزیره فعلاً در حدود ۲۰۰ تن است. زندگانی سکنه از صید مروارید و ماهی و کشاورزی مختصری می‌گذرد. دارای کان خاک سرخ نیز هست. برای دواب و چهارپایان در این جزیره مراتع خوب یافت می‌شود.

۸. جزیره سری

جزیره کوچکی است در وسط خلیج به طول ۷ و به عرض متوسط ۴/۷ کیلومتر. این جزیره در ۳۵ کیلومتر جزیره فارور و ۷۶ کیلومتری بندر لنگه و ۵۰ کیلومتری باختر جزیره ابوموسی واقع است و مرتفع‌ترین نقاط آن ۱۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. سکنه این جزیره در حدود ۱۵۰ تن است. دارای ساختمانهای سنگی و مسجدی است و نیز مرکزی برای صید ماهی و مروارید و بازرگانی در آنجا وجود دارد. دارای آب شیرین است و زراعت کافی برای رفع احتیاج اهالی می‌شود. یک نوع ماهی موسوم به «ام علیمو» در کرانه های این جزیره یافت می‌شود که بسیار مزاحم غواصان است.

۹. جزیره فرور

موقعیت و شکل طبیعی- این جزیره در شمال جزیره سری و جنوب باختری بندر لنگه واقع شده، و طول آن در امتداد شمال و جنوب در حدود ۷ کیلومتر و عرض آن در سمت خاوری باختری ۴/۵ کیلومتر است. فاصله آن تا نزدیک‌ترین نقطه کرانه یعنی تا «رأس بستانه» ۲۰ کیلومتر است.

این جزیره از یک توده ارتفاعات آتشفشانی تشکیل شده است که دنباله و امتداد آن در طرف شمال در ۱۵ کیلومتری رأس بستانه به شکل صخره‌های دریایی که در عمق کم واقع اند، ظاهر می‌شود، و در جنوب به اسم جزیره نبیو فرور معروف است. بلندترین قله این جزیره ۱۴۵ متر ارتفاع دارد. در فرور دو قریه کوچک، یکی در کرانه جنوبی و دیگری در کرانه خاوری جزیره موجود است.

کرانه‌ها - شیب کرانه‌ها تند و گاهی پرتگاهها تا ۱۰ متر به طور متوسط عمق دارند. سواحل مسطح آن در کرانه باختری در سه محل و در کرانه جنوبی در یک محل نسبتاً وسیع‌تر واقع است. در کرانه خاوری نزدیک قریه نیز ساحل همواره مهمتری موجود است.

عمق آب و لنگرگاهها- عمق دریا در اطراف این جزیره بسیار زیاد و رنگ آب کدر و تیره است. کشتی های بزرگ می توانند خیلی به کرانه نزدیک شوند. و در خاور جزیره، ۳۰۰ متری کرانه، عمق آب از ۳۰ متر متجاوز است و در باختر جزیره، در ۲۰۰ متری کرانه، عمق آب به ۱۱ متر و در ۵۰۰ متری کرانه این عمق به ۴۴ متر و بیشتر می‌رسد. قعر دریا همه جا سنگی یا شنی است و بدین علت جهت لنگر انداختن مساعد نیست. شدت جزر و مد در اطراف این جزیره زیاد است.

آب و هوا- هوای این جزیره مانند سایر جزایر خلیج فارس گرم و مرطوب است. فقط چند درخت دارد. زمینها از خار و بوته پوشیده است. چند خانه محقر متروک گلی دارد که گاهی صیادان ماهی در آنها منزل می کنند. در این جزیره آهو زیاد است و در آبهای اطراف ماهی فراوان دیده می شود.

۱۰. جزیره نبی فرور (یا نبی فارور)

در ۱۵ کیلومتری جنوب جزیره فارور تخته سنگی به ارتفاع ۳۷ متر قرار دارد که قطر متوسط آن ۱/۵ کیلومتر و غیر مسکون است.

۱۱. جزیره کیش (یا قیش)

نام قدیم جزیره کیش، «کیان» بوده و دارای سوابق تاریخی مفصلی است. این جزیره مرکز ارتباطات بازرگانی بین هندوستان، ایران و بین النهرین و بزرگترین مراکز بازرگانی خلیج فارس بوده است. آثار خرابه‌های شهر کیش در شمال جزیره به چشم می‌خورد. موقع اردوکنشی اسکندر کیش اهمیت زیادی داشته است.

در سده هفتم ه.ش. (۱۳ میلادی) حاکم این جزیره به کلیه جزایر خلیج فارس حاکمیت داشت. یاقوت حموی نویسنده مشهور در اوایل سده هفتم هجری این جزیره را دیده و چنین نوشته است:

«شهر کیش بسیار قشنگ و زیباست، اطراف آن را باغ و عمارت عالی احاطه کرده. امیر عمان در این جزیره اقامت دارد که دارای نیروی دریایی قوی است.»

سعدی در کتاب گلستان نوشته است:

«بازرگانی را دیدم ... شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش برد... تا آخر.»

به طوری که از تواریخ گذشته بر می‌آید، کیش در گذشته موقعیت پرت سعید را دارا بوده. چند لوله توپ قدیمی که در این جزیره دیده می‌شود، بنابر روایات از آثار لشکرکشی نادر شاه به مسقط باقی مانده است.

موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی - جزیره کیش دارای لنگرگاهی مناسب و چاههای آب شیرین است. مساحت آن در حدود ۸۵ کیلومتر مربع و به شکل بیضی، به طول ۱۵ و به عرض ۷ کیلومتر است. در سمت جنوب خاوری آن جزیره فارور به مسافت ۴۸ کیلومتر و در شمال آن بندر گرز (کرانه خلیج) به مسافت ۱۷ کیلومتر و در شمال باختری آن جزیره هندرابی به مسافت ۲۸ کیلومتر واقع است.

زمین جزیره نسبتاً مسطح و در بلندترین محل آن به ارتفاع ۳۷ متر فانوس دریایی نصب است. زمین جزیره در قسمت کرانه آهکی و صدف است، ولی در داخل جزیره زمین رس مخلوط با شن و برای همه گونه زراعت مستعد است. چون کیش کوهستانی نیست، لذا در آن هیچ گونه رودخانه یا بریدگی و چشمه دیده نمی شود و بهجز در بعضی نقاط که کرانه بریده است، در تمام اطراف جزیره قایقها می توانند به کرانه نزدیک شوند. در این جزیره اشجار نخل، لور، کنار، کهور و قرت زیاد است.

آب و هوا- در تابستان گرما تا ۴۵ درجه سانیکراد می رسد، ولی در قسمت شمالی به علت وجود اشجار زیاد هوا نسبتاً بهتر و قابل تحمل است. آب چاهها شیرین و خوش طعم است و غالباً قایقها آب مشروب از این جزیره می برند. عمق چاههای آب از ۵ تا ۱۰ متر است. اهالی- اهالی جزیره کیش قدبلند، مو مشکی، گندمی رنگ و باریک اندام هستند. زبان آنان فارسی است و همگی مسلمان و بیشتر سنی هستند. شغل آنان غواصی و صید ماهی و قایق سازی است.

حیوانات- ساکنان این جزیره نسبتاً زیادی گاو، گوسفند، بز و الاغ و از طیور، مرغ، خروس کبوتر و مرغابی دارند.

آبادی ها و جمعیت- جمعیت این جزیره در سابق خیلی زیاد بوده ولی فعلاً در حدود ۱۵۰۰ تن جمعیت دارد و آبادی های آن عبارت است از:

۱. قصبه ماشه در شمال خاوری دارای بازار قدیمی، دکانها، ساختمانها و مسجد و گمرکخانه.

۲. آبادی کوچک «سجم» به مسافت ۷۰۰ متر در شمال باختری است.

۳. آبادی معروف به «ده» در ۴۰۰ متری باختر سجم.

۴. سفین، آبادی نسبتاً بزرگی است در شمال باختری جزیره.

۵. آبادی معروف به «باغ» در باختر جزیره.

به علاوه در قسمت شمالی جزیره، مابین سجم و سفین، خرابه ها و آثار قدیمی متعلق به سده پنجم هجری موجود است که در صورت حفر و کاوش ممکن است مدارکی برای تاریخ جزیره و ساکنان قدیم آن به دست آید.

در حدود ده مسجد در جزیره وجود دارد که از همه مهمتر و بزرگتر مسجد جامع قصبه ماشه است. در قسمت جنوبی جزیره، به فاصله ۲ کیلومتر از کرانه، یک فانوس دریایی شناور داخل یک قایق، از سابق موجود است و چند سال پیش نیز نیروی دریایی در مرتفع‌ترین نقطه جزیره یک فانوس دریایی با موتور نفتی نصب کرده است.

وضعیت اقتصادی و منابع محلی - اهالی از درآمد فروش مروارید و صدف مایحتاج خود را از خارج وارد می‌کنند. فعلاً محصول سالانه مروارید غلتان و خاکه مروارید بر ۱۰۰۰۰۰ ریال و محصول صدف بر ۵۰۰۰ ریال بالغ می‌شود، ولی سابقاً صادرات مروارید در حدود ده مقابل میزان فعلی بوده است.

اهالی برای مصرف خود گندم، جو، پیاز و انواع صیفی می‌کارند ولی صادراتی ندارند. در حدود ۴۷۰۰ نخل در این جزیره موجود است که محصول سالانه‌اش بر ۱۲۰۰۰ کیلوگرم بالغ می‌گردد و قریب نصف آن را به خارج صادر و در مقابل احتیاجات خود را وارد می‌کنند.

سابقاً تنباکو نیز در این جزیره کشت می‌شد و رقم بزرگ صادراتی را تشکیل می‌داد، ولی فعلاً متروک گردیده است. میوه درخت «قوت» را غواصان خشک می‌کنند و در موقع فرو رفتن در آب به تن خود می‌مالند تا آب شور دریا بدنشان را زخم نکند

زمین این جزیره به طور کلی فوق العاده حاصلخیز است و در صورت نصب وسایل شیرین کردن آب، بر محصول آن می‌توان افزود.

۱۲. جزیره هندرابی

نام قدیم هندرابی «داراب» بوده و یکی از جزایر شیب کوه محسوب می‌شود که در ۷۰ کیلومتری قلعه چپرو قرار گرفته است.

این جزیره از یک رشته ارتفاعات کوتاه پوشیده است. مرتفع‌ترین نقاط آن از سطح دریا بیش از ۳۱ ارتفاع ندارد. این جزیره از طرف جنوب به واسطه بریدگی‌هایی محدود می‌شود. نزدیک شدن به آن مشکل است ولی در سمت خاور و شمال باختری زمینهای مسطحی در سواحل می‌توانند نزدیک شوند. طول این جزیره ۹ و عرض آن ۴ کیلومتر است.

جزیره هندرابی در ۲۸ کیلومتری جزیره کیش و ۲۴ کیلومتری خاوری جزیره شیخ شعیب (لاوان) و ۴ کیلومتری نزدیکترین کرانه‌ها و ۷ کیلومتری قلعه چپرو واقع است.

سکنه این جزیره در حدود ۲۰۰ تن است و آب آشامیدنی آنان از چاههایی به عمق ۱۵ تا ۱۰ متر به دست می‌آید و زراعت مختصری دارند.

محل صید مروارید در سمت شمال خاوری در مجاورت رأس منصور است.

۱۳. جزیره لاوان (شیخ شعیب)

وجود توپهای سوپر موسوم به توپهای نادری که تصور می‌رود در عصر نادرشاه به این جزیره حمل شده، نشان می‌دهد که این جزیره در ازمنه گذشته مورد توجه زمامداران وقت بوده است.

موقعیت جغرافیایی - گوشه خاوری این جزیره در ۱۱ کیلومتری جنوب باختری رأس نخیلو و در جنوب بندر مقام واقع است. طول جزیره ۲۴ و عرض آن ۵ کیلومتر است.

در وسط جزیره دره ای است که در آن ۴ آبادی کوچک قرار دارد.

وضعیت کرانه - کرانه پیش آمده باختری جزیره شنزار، و کرانه پیش آمده جنوب خاوری آن مضرس و تقریباً تا ۷۰۰ متر سنگلاخ است. در این کرانه تخت سنگی است به ارتفاع ۶ متر که کرانه جنوبی جزیره از این تخت سنگ شروع می شود و به جانب باختر امتداد می یابد و پس از طی ۹ کیلومتر به محل پست شنزاری می رسد.

کلیه کرانه های جزیره به استثنای ۲ تا ۳ محل سنگلاخ و مضرس است.

پستی و بلندی - تپه ای به ارتفاع ۳۷ متر در وسط جزیره و دره ای در آن محل وجود دارد. حدود جزیره - جزیره لاوان از طرف شمال محدود است به دریا که فاصله آن از کرانه جنوبی ایران در طول جزیره، از ۱۱ تا ۲۴ کیلومتر متغیر است. جزیره کوچک و بدون سکنه «شطور» یا «شتو» با فاصله ۱۵۰۰ متر در خاور این جزیره قرار گرفته است. جزیره هندرابی در ۲۴ کیلومتری و جزایر داس و زیرکوه (رزقا) در ۲۰۰ تا ۲۳۰ کیلومتری جزیره شیخ شعیب واقع هستند.

آبادی های مقابل جزیره - در مقابل جزیره در کرانه جنوبی ایران از باختر به خاور، آبادی های شتو، بستانو، مقام، نخیلو و چیرو واقع است، و در دو قریه شتو و نخیلو گمرک وجود دارد.

لنگرگاه ها - این جزیره برای ناوهای بزرگ، لنگرگاه مناسبی ندارد. در کرانه جزیره چهار محل مسطح وجود دارد که یکی در منتهی الیه باختری جزیره، دیگری در اواسط کرانه

جنوبی نزدیکی آبادی کرات، سومی در منتهی الیه خاوری جزیره مقابل آبادی لاز، و چهارمی در کرانه شمالی در ۱۶ کیلومتری باختری آبادی لاز قرار گرفته است.

عمق آب- تا مسافت یک کیلومتر و نیم جنوب کرانه جزیره، عمق متوسط بین ۱۰ تا ۱۸ متر و در حوالی رأس خاوری تا یک کیلومتری کرانه عمق بین ۱۰ تا ۳۰ متر متغییر است. بین دو جزیره لاوان و شطور عمق بین ۳/۵ تا ۴/۵ متر تغییر می‌کند.

آب و هوا- آب و هوای جزیره لاوان گرم و مرطوب است. درجه حرارت در تابستان به ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسد. بارندگی مانند سایر جزایر است.

آبادی ها- در این جزیره از خاور به باختر، آبادی‌های زیر قرار دارند:

۱. لاز - در یک کیلومتری انتهای خاوری جزیره واقع است. مهمترین آبادی جزیره محسوب می‌گردد و دارای ۲۰۰ تن جمعیت است. بهترین لنگرگاه جزیره در ۲ کیلومتری جنوب این آبادی قرار دارد.

۲. قریه لازه - در کرانه شمال خاوری جزیره و در باختر آبادی لاز واقع، و دارای ۲۵ تن جمعیت است.

۳. کرات یا (کورات) - در کرانه جنوبی جزیره با ۷۰ تن جمعیت.

۴. ده ریزه - وسط جزیره با ۵۰ تن جمعیت.

۵. کوفی - در وسط با ۳۰ تن جمعیت.

۶. ده کوت - در وسط با ۲۹ تن جمعیت.

۷. حله - در وسط با ۳۸ تن جمعیت.

۸. رأس - در انتهای باختری جزیره دارای ۲۷ تن جمعیت است.

جزیره لاوان یا شیخ شعیت فعلاً نزدیک به ۴۶۰ تن جمعیت دارد ولی سابقاً جمعیت آن بیشتر بوده است.

حیوانات- حیوانات این جزیره گوسفند و بز و چند رأس گاو و الاغ است. در مواقعی که علف نیست به حیوانات خوراکی مرکب از ماهی و هسته خرما می دهند .

زراعت- جزیره لاوان دارای تعداد زیادی چاه آب شیرین است و در این جزیره گندم و جو کشت می شود.

درختهای مختلف از قبیل خرما، لیموترش، انبه، کنار و همچنین لور در جزیره موجود است که از برگ آنها برای تعلیف احشام استفاده می کنند.

اهالی در سال ۵ ماه، در فصل معینی به صید مروارید می پردازند که تنها کالای صادراتی این جزیره می باشد.

۱۴. جزایر خارک و خارگو

به مناسبت نزدیکی خارک و خارگو کرانه های جنوبی کشور به بنادر ریگ و بوشهر، از لحاظ سوق الجیشی و بازرگانی این جزایر از قدیم دارای اهمیت بوده اند. از سال ۱۳۳۶ جزیره خارک به علت مزایای طبیعی و مناسبی که برای پهلو گرفتن نفتکشهای جدید و بزرگ اقیانوس پیما دارد، به عنوان محلی برای ایجاد بندر دوم صدور نفت ایران انتخاب گردید (چون تاکنون بندر معشور نخستین بندر برای این منظور بوده است) و برای صدور نفت گچساران، که از نواحی مهم نفت خیز است، لوله ای به ۱۶۰ کیلومتر تا جزیره خارک کشیده شد. این لوله از کوهها و رودها عبور می کند و به بندر گناوه و سپس (با گذشتن از کف خلیج فارس) به جزیره خارگو می رسد و از آنجا مجدداً از کف دریا می گذرد و به

خارک و سپس به مخازن عظیم فولادی می‌پیوندد. تأسیسات بندر و لنگرگاههای مناسب، به طوری که در خور این طرح بزرگ است، ساخته شد و از سه سال قبل بهره برداری از این بندر شروع گردید. اخیراً طرح جدیدی برای کشیدن لوله ثانوی تنظیم شد و در دست تهیه است. این موضوع اهمیت امروزی جزیره خارک را می‌رساند. چون جزئیات مربوط به صدور نفت خام و بعضی اطلاعات دیگر راجع به این جزیره در قسمت خاصی از این مجموعه درج شده است، لذا ذیلاً به شرح جغرافیای طبیعی آن می‌پردازیم.

وضعیت طبیعی- جزیره خارک جزء بخش گناوه شهرستان بوشهر است. در ۳۷ کیلومتری جنوب باختر گناوه واقع شده، و مسافت آن از بندر ریگ نزدیک به ۳۵ کیلومتر است. طول این جزیره در حدود ۸/۵ کیلومتر و عرض آن ۳/۵ کیلومتر است. سطح این جزیره را برآمدگی‌هایی فرا گرفته است که بلندترین آنها از ۸۷ متر تجاوز نمی‌کند. برآمدگی شمال و موسوم به «کوه تخت و دیده‌بان» است، در باختر «لشکری» و در جنوب «گردن شتر» نامیده می‌شود. در جزیره خارک رودخانه و جویباری نیست. فقط در فصل بهار سیلابهایی که از ارتفاعات سرچشمه می‌گیرند در آن جاری و در فصول دیگر خشک می‌شوند. دارای چند چشمه و قنات است و در سنوات اخیر هم دو دستگاه تقطیر آب دریا به ظرفیت ۱۰۳۶۵ متر مکعب در آن ساخته شد. در قسمت باختری و شمال باختری و مرکزی، زمین دشت می‌باشد. در کرانه‌های شمالی و خاوری، زمین ماسه و دارای شیب ملایم است، ولی در دو طرف دیگر کرانه‌ها مرتفع است و بریدگی‌هایی با شیب تند دارد. عمق آب در اطراف کرانه متغیر است و نفتکشهای جدید بزرگ اقیانوس پیما در کنار اسکله آن پهلو می‌گیرند.

آب و هوای جزیره مانند نواحی جنوب ایران گرمسیری است، ولی به لحاظ موقعیتی که در مقابل بادهای دارد و نیز وجود ارتفاعات، هوای آن قدری از نواحی جنوب ایران ملایم‌تر است. بادهای آن بیشتر شمالی و گاهی بسیار سخت می‌باشد.

در این جزیره خرما، موز، مرکبات و لور به عمل می‌آید و زمین آن برای غرس اشجار مناسب است. گندم و ذرت به مقدار کم در آن زراعت می‌شود.

انواع ماهی و مخصوصاً نوعی به نام طوطی ماهی در کرانه جزیره صید می‌شود. صید مروارید نیز سابقاً معمول بود ولی فعلاً متروک شده است.

سنگ مخصوص برای ساختمان دارد که سابقاً شرکت نفت به آبادان حمل می‌کرد. جمعیت این جزیره تا چند سال قبل قریب ۸۰۰ تن بود، ولی پس از شروع به ساختمان تأسیسات نفت در سالهای اخیر، قریب ۲۵۰۰ تن کارگر به آنان اضافه شد. ساکنین محلی این جزیره افرادی نسبتاً قوی البنیه و ورزیده هستند، خصوصاً در دریانوردی. مذهب آنها شیعه و سنی ولی روابط آنها خوب و حتی وصلت هم بین ایشان معمول است.

مقبره امامزاده محمد حنیفه که معروف است از اولاد حضرت امیر(ع) می‌باشد، در این جزیره و زیارتگاه شیعیان است.

شغل اهالی بیشتر صید ماهی و عملگی در کان سنگ، و اخیراً کار در تأسیسات نفتی است. خوراک اهالی ماهی، خرما و گندم است و برنج را هم بیشتر از بنادر وارد می‌کنند. تأسیسات جدیدی که در این جزیره برای صدور نفت خام ساخته شده و در حدود ۳۵ میلیون لیتر استرلینگ تخمین زده می‌شود، به کلی وضعیت سابق آن را تغییر داده است و در ترقی سطح زندگی و بهبود وضع اجتماعی و آبادانی و عمران این جزیره و همچنین سایر نواحی کشور، تأثیری بسزا داشت.

جزیره خارگو- این جزیره در شمال خاوری جزیره خارک واقع و مسافت آن تا کرانه نزدیک به ۳۰ کیلومتر است. طول جزیره ۴/۵ کیلومتر و عرض آن ۷۰۰ متر است. در این جزیره ارتفاعات یا تپه‌ای دیده نمی‌شود. تمام نقاط آن برای پیاده شدن مناسب و از همه طرف صاف است، ولی به علت عمق آب فقط قایقها می توانند به آن نزدیک شوند.

۱۵. مجمع الجزایر بحرین

بحرین مجمع الجزایری است در جنوب خلیج فارس در خلیج شلوا. به شهادت تاریخ، بحرین همیشه از قدیم جزء کشور ایران بوده است؛ چنانکه در زمان پادشاهی اردشیر ساسانی، ولیعهد ایران مأمور حکومت آنجا بود و نفوذ موقتی بیگانگان هیچ گاه حق واقعی و تاریخی ایران را سلب نکرده است.

در سرتاسر کرانه‌های جنوبی و باختری خلیج فارس منطقه‌ای مهمتر از بحرین از حیث نظامی و بازرگانی نیست. این جزایر که بین شبه جزیره قطر و کرانه الاحساء قرار دارند، در وسط ناحیه صید مروارید واقع هستند؛ و این ناحیه بزرگترین بازار این تجارت است و به همین مناسبت سکنه آن از قدیم نسبت به سایر مناطق و کرانه‌های خلیج فارس بیشتر بود.

سرزمین بحرین دارای تاریخ مفصلی است ولی چون در قسمتهای دیگر این کتاب ضمن جغرافیای تاریخی خلیج فارس و بخشی که خاص بحرین تعیین شده، مطالب تاریخی آن درج گردیده است؛ لذا در اینجا راجع به موقعیت طبیعی و اوضاع جغرافیایی آن توضیحاتی داده می‌شود.

بحرین از تعدادی جزایر بزرگ و کوچک و زمینهای زیردریایی که محل صید مروارید است تشکیل می‌شود. بزرگترین جزیره این مجمع الجزایر نیز به نام بحرین موسوم است و گاهی

اوال نامیده شده و در قدیم به تیلوس معروف بوده است. طول این جزیره ۴۷ و عرض آن ۱۲ کیلومتر است. بحرین را سابقاً مینابه و میان آب نیز می‌گفته‌اند.

جزیره بحرین در ۲۰ میلی شبه جزیره قطر و ۱۲ میلی اراضی قطیف واقع است. قسمت شمالی این جزیره به اراضی زیردریایی موسوم به «یارم» متصل می‌شود. در طرف شمال باختری آن جزیره «خورفشت» (با واو معدوله) به مسافت ۸ میل و در شمال خاوری آن جزیره محرق به مسافت ۸ میل و نیم قرار دارد.

از انتهای دماغه جنوبی این جزیره (رأس البر) تا انتهای خلیج شلوا، که قریه کوچک شلوا واقع است، ۶۵ میل می‌باشد. فاصله لنگرگاه بحرین تا بوشهر ۳۶۱ کیلومتر است.

بحرین در امتداد شمالی و جنوبی واقع گردیده و دارای اراضی شنزار است و در بعضی نواحی جزیره ارتفاعات سنگی وجود دارد مثل کوه دوخان که ارتفاع آن به ۱۲۴ متر می‌رسد.

مرکز و آبادی مهم این جزیره شهر منامه یا منعمه است که مقر شیخ بحرین و دارای ۴۰۰۰۰ تن جمعیت است. این شهر به واسطه دو جاده به آبادی های زیر متصل می شود: به مسافت ۱۲ میل به شوربه و ۱۸ میل به بودریا.

جزیره محرق که به واسطه تنگه ای از جزیره بحرین جدا شده، دارای ۴ میل طول و نیم میل عرض است. مرکز آن نیز موسوم به محرق و دارای ۲۰۰۰۰ تن جمعیت است. جزیره «سیترا» نیز جزء این مجمع الجزایر است. ۳ دارای میل طول و یک میل عرض است.

جزیره «ام نازان» یا «ام النعسان» در طرف باختر بحرین واقع است.

جزایر کم اهمیت دیگری نیز جزء این مجمع‌الجزایر هستند.

در این مجمع‌الجزایر قریب یکصد آبادی کوچک و بزرگ وجود دارد.

آب وهوا- هوای این جزایر مرطوب است ولی ناسالم نیست و از مزایای مهم این جزایر چشمه های زیردریایی آن است و از چند سال قبل اقداماتی شده و با وسایل جدید و لوله، آب آنها را در سطح جریان داده اند و امروز بهترین آبهای مشروب اهالی است.

منابع ثروت- خاک بحرین بسیار حاصلخیز و مستعد است. محصول آن خرما، انجیر و انگور زیاد است و نیز دارای درختهای کاج و گل مخصوصی است. چنانچه در ازدیاد آب بحرین بکوشند، زراعت آن به درجات بهتر و زیادتیر خواهد شد.

در بحرین گاو و گوسفند زیاد پرورش می دهند. الاغهای سفید مخصوص دارد. صنعت و تجارت این جزیره ساختن و فروش قایقهای مخصوص بادی با دکل است و صید مروارید منبع بزرگ در آمد جزیره است. مرواریدهای آن خیلی درخشانده و صاف است و گر چه به سفیدی مروارید سیلان و ژاپن نیست، ولی درشت تر و مرغوب تر از آنهاست. این مرواریدها در طول کرانه در عمق ۱۵ تا ۱۶ متر زیر آب یافت می شود. در هر سال ۱۰۰۰ قایق با ۲۰۰۰۰ غواص و اشخاص مختلف برای صید مروارید حرکت می کنند و در آمد جزیره از این محل، در سال ۱۵۰۰۰۰۰ لیره است. منبع مهم دیگر این جزیره کانهای نفت آن است که از سال ۱۳۱۳ توسط امریکایی ها شروع به بهره برداری شده است. در سالهای اول، تا سالی دو میلیون تن از آن بهره برداری نموده اند و در آنجا پالایشگاهی تأسیس کرده اند. انگلیسی ها نیز در این جزیره مؤسساتی دارند.

پیدایش کانهای نفت در این جزیره اهمیت اقتصادی زیادی بدان داده است که روزبه روز بیشتر خواهد شد.

جمعیت، دین و زبان- جزایر بحرین دارای ۱۲۰۰۰۰ تن جمعیت می‌باشد که در مقایسه با عربستان سعودی که در هر میل مربع آن ۶ تن عرب بدوی دارد، در بحرین در هر میل مربع ۴۵۰ تن زندگی می‌کنند.

مذهب اهالی اسلام و زبان آنان فارسی یا عربی است. حرفه اهالی زراعت، بازرگانی، پارچه‌بافی و ساختن ظروف سفالی است.

آثار قدیم- در قسمت شمالی بحرین دشتی است که دارای خرابه‌های زیاد است. در این قسمت اکتشافاتی صورت گرفت و ظروف گلی قدیمی زیاد به دست آمد. چنین حدس می‌زنند که این ظروف متعلق به ازمنه قبل از فنیقی‌ها باشد.